

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره پانزدهم، بهار ۱۴۰۴: ۱-۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی

عوامل کاهش تمایل به ازدواج و فرزندآوری در جوانان از دیدگاه صاحب نظران در استان چهارمحال و بختیاری^۱

* مهرداد حاجی حسنی

** منیژه کاوه

*** ناهید بنده خدا

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش تمایل به ازدواج و فرزندآوری در میان جوانان استان چهارمحال و بختیاری است؛ مسئله‌ای که در سال‌های اخیر به یکی از نگرانی‌های مهم اجتماعی و جمعیتی کشور تبدیل شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و به‌کارگیری روش دلفی انجام شد. در این فرایند، ده نفر از خبرگان حوزه‌های مرتبط در سه مرحله متوالی شرکت کردند تا از طریق هم‌اندیشی و تبادل نظر، به اجماع نظری درباره عوامل مؤثر دست یابند. یافته‌ها نشان داد که مشکلات اقتصادی، گسترش سبک زندگی غربی، کاهش باورهای دینی، نبود فرصت‌های شغلی مناسب و رشد شهرنشینی از مهم‌ترین دلایل کاهش رغبت به ازدواج در میان جوانان است. همچنین افزایش گرایش زنان به تحصیلات عالی و استقلال اقتصادی، چالش‌های خانوادگی و نگرانی والدین

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب اداره کل ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری به شماره گرنت ۴۹۱۷/۲۰۷/۱۴۰۰ است.

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، ایران
Dr_hajihassani@sku.ac.ir

** استادیار گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، ایران
manizhehkaveh@gmail.com

*** کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، ایران
moshaver123456@gmail.com



درباره آینده شغلی فرزندان نیز از عوامل بازدارنده فرزندآوری شناخته شد. مجموعه این عوامل، بازتابی از تعامل پیچیده متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری الگوهای نوین ازدواج و باروری در جامعه امروز ایران است. نتایج این مطالعه بر لزوم طراحی مداخلات هدفمند در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، تقویت حمایت‌های خانواده‌محور و احیای ارزش‌های فرهنگی مشوق ازدواج زودهنگام و فرزندآوری تأکید دارد. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران با تمرکز بر ایجاد اشتغال پایدار و حمایت مالی از زوج‌های جوان، روند کنونی را اصلاح کنند.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، فرزندآوری، روش دلفی، روندهای باروری و چهارم‌حال و بختیاری.

مقدمه

روندهای مربوط به ازدواج و فرزندآوری، شاخص‌هایی کلیدی برای سنجش سلامت و رفاه جوامع به شمار می‌رود که بر ابعاد روان‌شناختی مردان و زنان در سراسر جهان تأثیرگذارند (ر.ک: Colman, 2018). با وجود فواید روانی و اجتماعی فراوانی که ازدواج و فرزندآوری به همراه دارد (Kiecolt-Glaser, 2018: 3)، داده‌های اخیر نشان‌دهنده کاهش چشمگیر در هر دو زمینه است. طی چهار دهه گذشته، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته شاهد کاهش قابل توجهی در نرخ ازدواج زنان و مردان بوده است (1: Schellekens & Glikberg, 2018). برای مثال، نرخ تولد در ایالات‌متحده از ۲۵ به ۱۲ تولد به ازای هر هزار نفر بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۱ کاهش یافته است (ر.ک: مجمع جهانی اقتصاد^۱، ۲۰۲۱). در چین نیز بحران باروری گزارش شده است، به طوری که نرخ تولد به ۱/۳ رسیده که بسیار کمتر از سطح جایگزینی جمعیت است (ر.ک: بانک جهانی^۲، ۲۰۲۳). کره جنوبی، یکی از پایین‌ترین نرخ‌های باروری جهان را با عدد ۰/۸۴ دارد (ر.ک: سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳، ۲۰۲۲). بسیاری از کشورهای اروپایی نیز با نرخ باروری پایین مواجه‌اند؛ از جمله روسیه با نرخ ۱/۶ و برزیل با نرخ ۱/۸ (ر.ک: سازمان ملل^۴، ۲۰۲۲). در ایران، نرخ ازدواج نیز نرخ ازدواج به شدت کاهش یافته است (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۶: ۷۹) و نرخ باروری از حدود ۷/۷ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۹۶۶ به حدود ۱/۶ در سال‌های اخیر رسیده است (مطلق و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۵۸).

این روندها موجب تغییرات چشمگیری در پویایی‌های ازدواج و فرزندآوری شده و بر وضعیت اقتصادی کودکان، ترکیب خانواده، ثبات آن و پیچیدگی روابط خانوادگی تأثیرگذار بوده است (-Cherlin, 2004: 848; Amato, 2000: 1270-1273; Kiecolt-Glaser, 2018: 11-12). کودکان خانواده‌های غیر سنتی معمولاً با درآمد کمتر و نرخ بالاتری از فقر مواجه‌اند. همچنین تغییر در ساختار خانواده می‌تواند رابطه والدین و نقش‌های مراقبتی را پیچیده‌تر کرده، در نتیجه رفاه کودکان را کاهش دهد (ر.ک: مؤسسه مطالعات خانواده استرالیا^۵، ۲۰۲۳).

1. World Economic Forum
2. The World Bank
3. OECD
4. United Nations
5. Australian Institute of Family Studies

(Thomson et al, 1994: 221).

سه تبیین اصلی برای کاهش ازدواج مطرح شده است: دو مورد اقتصادی و یک مورد نگرشی (Billari et al, 2006: 4-6; Kalmijn, 2007: 397-398). نخست، کاهش جایگاه مردان جوان در بازار کار موجب کاهش نرخ ازدواج می‌شود (ر.ک: Oppenheimer, 1988). دوم، استقلال اقتصادی زنان، انگیزه ازدواج را کاهش می‌دهد (ر.ک: Bachrach et al, 2000). سومین مورد، تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی درباره ازدواج است (ر.ک: Lesthaeghe & Van de Kaa, 1986). در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، نقش‌های سنتی خانواده در حال تغییرند. تغییرات در وضعیت اقتصادی، سطح تحصیلات، نگرش‌های اجتماعی و دینی و همچنین افزایش هم‌باشی، هم بر کمیت و هم کیفیت ازدواج تأثیر می‌گذارد (Amato et al, 2003: 2-4). افزایش فرزندآوری خارج از ازدواج نیز موجب تضعیف هنجارهای اجتماعی مشوق ازدواج شده است (ر.ک: Cherlin, 2004). افزون بر این، عواملی همچون طبقه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، قومیت و مذهب نیز بر تصمیم به ازدواج تأثیر دارند (ر.ک: Hewitt et al, 2005). افرادی که در خانواده‌های کامل بزرگ می‌شوند، نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند و فرزندان طلاق، بیشتر گرایش به هم‌باشی دارند (Cunningham & Thornton, 2005: 710).

مسئله دوم در این پژوهش، کاهش نرخ فرزندآوری است. سطح کنونی باروری، تنها بخشی از ظرفیت زیستی انسان است؛ به گونه‌ای که زنان در صورت ازدواج زود هنگام و استفاده نکردن از روش‌های جلوگیری، می‌توانند بیش از پانزده فرزند داشته باشند. با این حال جوامع انسانی معمولاً از طریق محدود کردن دسترسی به ازدواج، سطح باروری را کنترل کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که کنترل جدی باروری تا دوران گذار جمعیتی قرون ۱۸ و ۱۹ شکل نگرفته است (ر.ک: Cleland & Wilson, 1987). این دوران با کاهش مرگ‌ومیر و افت چشمگیر نرخ باروری درون ازدواج همراه بود، اما فرایندهای اساسی این تحول همچنان مبهم باقی مانده‌اند (ر.ک: Mace, 2017). عواملی نظیر ساختار اجتماعی، باورهای دینی، شرایط اقتصادی و شهرنشینی، تأثیر زیادی بر نرخ تولد دارند (ر.ک: Nargund, 2009). همچنین تغییرات فرهنگی اخیر نیز در کاهش نرخ باروری میان نسل‌های جدید نقش دارد.

در این مطالعه، برای بررسی عوامل کاهش تمایل به ازدواج و فرزندآوری در جوانان

استان چهارمحال و بختیاری از نظریه «رفتار برنامه‌ریزی‌شده»^۱ استفاده شده است. استان چهارمحال و بختیاری به عنوان یکی از مناطق با فرهنگ غنی، ساختار اجتماعی-اقتصادی خاص و ترکیب جمعیتی منحصر به فرد در ایران شناخته می‌شود. این استان دارای جمعیتی نسبتاً جوان است که عمدتاً در قالب جوامع شهری و روستایی با نگرش‌ها و ارزش‌های سنتی و مدرن در کنار هم زندگی می‌کنند. ویژگی‌های فرهنگی محلی مانند ارزش‌گذاری بر خانواده بزرگ، نگرش‌های خاص نسبت به نقش‌های جنسیتی و ساختار اقتصادی مبتنی بر کشاورزی و صنایع کوچک، در کنار محدودیت‌های فرصت‌های شغلی و اقتصادی (ر.ک: سعیدی، ۱۳۹۷)، شرایط ویژه‌ای را برای جوانان این منطقه در تصمیم‌گیری‌های مهمی چون ازدواج و فرزندآوری رقم می‌زند. با وجود اهمیت بالای این موضوع، پژوهش‌های کمی به بررسی تأثیرات خاص این ویژگی‌های منطقه‌ای و فرهنگی بر کاهش تمایل به ازدواج و فرزندآوری در استان چهارمحال و بختیاری پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه‌ای متمرکز و بومی را به منظور شناخت بهتر عوامل مؤثر و ارائه راهکارهای متناسب با شرایط محلی افزایش می‌دهد. چنین پژوهشی می‌تواند به درک عمیق‌تر تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران کمک کرده، امکان طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی هدفمندتر را فراهم آورد.

پیشینه تحقیق

در ایران یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که ترس از ناامنی اجتماعی می‌تواند به‌طور معناداری در کاهش نرخ فرزندآوری نقش داشته باشد (ر.ک: غفاری سردشت و مطلق، ۱۳۹۹). سروش و ترکشوند (۱۴۰۰) گزارش کردند که نبود شرایط مناسب برای ازدواج، دشواری در یافتن فرد مناسب و حساسیت بیش از حد در انتخاب همسر، از عوامل مؤثر در تأخیر سن ازدواج جوانان یزدی بوده است. همچنین مطالعه مولاپناه و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که تغییر نگرش‌های ارزشی نسبت به ازدواج، محدودیت‌های اقتصادی، مشروعیت یافتن اجتماعیِ مجرد، کم‌اهمیت شدن ازدواج و هراس ناشی از

1. theory of planned behavior

تجربه‌های ناموفق پیشین، در به تعویق افتادن ازدواج جوانان تهرانی نقش داشته است. افزون بر این، رهنما و همکاران (۱۴۰۱) در یک مطالعه مروری سیستماتیک بیان کردند که متغیرهایی چون شرایط اجتماعی و فرهنگی، سطح تحصیلات، نگرش والدین، وضعیت اشتغال و بیکاری، میزان دینداری، خانواده‌گرایی و سیاست‌های حمایتی دولت، از عوامل تعیین‌کننده در الگوی فرزندآوری در کشور به شمار می‌آید. در کنار این عوامل، مشکلات اقتصادی، دغدغه نسبت به آینده فرزندان و گرایش به استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری نیز به‌عنوان موانع اصلی فرزندآوری معرفی شده‌اند.

مطالعات خارجی نیز نشان داده‌اند که مشاهده رفتار دوستان در داشتن فرزند می‌تواند انگیزه افراد برای فرزندآوری را افزایش دهد (ر.ک: Balbo & Barban, 2014). با کاهش تعداد زوج‌های دارای فرزند، تأثیر همتایان نیز کاهش یافته و تمایل به فرزندآوری کم‌رنگ‌تر می‌شود (ر.ک: Parker, 2020). کاهش نرخ ازدواج و هم‌باشی نیز در کاهش باروری، نقش دارد. رکود بزرگ اقتصادی، تأثیر چشمگیری بر نرخ ازدواج گذاشت (Cherlin et al, 2013: 214). همچنین انتظارات فرهنگی از مادران، فشار مضاعفی بر زنان وارد کرده که تصمیم‌گیری برای فرزندآوری را دشوار می‌کند (ر.ک: Collins, 2019).

مادران معمولاً احساس می‌کنند باید در هر دو نقش خانه‌داری و شغلی موفق باشند، که این امر به استرس و کاهش انگیزه فرزندآوری می‌انجامد (Maher & Saugeres, 2007: 9-11). صنعتی شدن، کاهش نرخ باروری و افزایش مشارکت زنان در بازار کار با افزایش طلاق، هم‌باشی و کاهش ازدواج همراه بوده است (Hayford et al, 2014: 1). در جمع‌بندی این مطالعات می‌توان اظهار داشت که عوامل ساختاری مانند فقدان شرایط مناسب، مشکلات و محدودیت‌های اقتصادی، بیکاری و فقدان شغل موثر، رکود اقتصادی، سیاست‌های ناموفق، مشروعیت یافتن اجتماعی تجرد و انتظارات فرهنگی از زنان، موضوعاتی است که ازدواج و فرزندآوری را تحت تأثیر قرار داده و کاهش می‌دهد و در سطح فردی دغدغه نسبت به آینده فرزندان، حساسیت نسبت به انتخاب همسر، و تجربیات ناموفق پیشین می‌توانند در کاهش ازدواج و فرزندآوری تأثیرگذار باشند. تمایز مطالعه حاضر با پژوهش‌های پیشین در روش و رویکرد آن به مسئله است.

مبانی نظری

نظریه مختار در این پژوهش، نظریه «رفتار برنامه‌ریزی شده» است. این نظریه که برگرفته از نظریه نگرش چندویژگی و نظریه عمل معقول^۱ است، چارچوبی روان‌شناختی برای توضیح و پیش‌بینی فرآیندهای تصمیم‌گیری رفتاری انسان‌هاست (Ajzen & Fishbein, 1977: 889-890). این نظریه معتقد است که رفتار انسان عمدتاً با قصد یا نیت فرد برای انجام آن رفتار کنترل می‌شود و این قصد تحت تأثیر سه عامل اصلی شکل می‌گیرد: نگرش فرد نسبت به رفتار، هنجار ذهنی یا فشار اجتماعی و کنترل رفتاری درک‌شده (ر.ک: Ajzen, 1985; 7991). باورهای رفتاری، هنجاری و کنترلی، پایه‌های شناختی این سه عامل هستند که مستقیماً بر شکل‌گیری قصد رفتاری اثر می‌گذارند (Armitage & Conner, 2001: 475-478). این نظریه عمدتاً برای پیش‌بینی رفتارهای خاص و عقلانی در زمان و مکان مشخص کاربرد دارد و رفتارهای احساسی یا جمعی را شامل نمی‌شود (ر.ک: Ajzen & Fishbein, 1977). همچنین TPB بیشتر برای پیش‌بینی رفتارهای جدید مناسب است تا رفتارهای تکراری یا عادت‌شده (Ouellette & Wood, 1998: 54). این چارچوب با تأکید بر تأثیر همزمان نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری درک‌شده، امکان تحلیل دقیق‌تر عوامل مؤثر بر قصد رفتارهایی مانند ازدواج و فرزندآوری در جوانان را فراهم می‌کند (ر.ک: Ajzen, 1985). با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین، که عوامل ساختاری و نیز فردی را در کاهش تمایل به ازدواج و فرزندآوری شناسایی کردند، این نظریه در تبیین یافته‌ها بسیار مثر ثمر است.

روش پژوهش

این مطالعه با رویکرد کیفی و به‌کارگیری روش دلفی انجام شد که یکی از تکنیک‌های معتبر برای گردآوری و تحلیل نظرهای کارشناسان در موضوعاتی است که اجماع علمی پیشین درباره آنها وجود ندارد. روش دلفی با استفاده از پرسش‌های هدفمند، جمع‌آوری دیدگاه‌های متخصصان و بازخورد کنترل‌شده طراحی شده است تا

امکان دستیابی به توافق نظری قابل اعتماد در میان گروهی از خبرگان فراهم شود. در این تحقیق، این روش برای شناسایی و اولویت‌بندی علل کاهش نرخ ازدواج و فرزندآوری در استان به کار گرفته شد و از چندین دور پرسشنامه و تحلیل نظرهای خبرگان برای دستیابی به اجماع استفاده شد. این رویکرد اجازه داد تا علاوه بر گردآوری دیدگاه‌های گسترده، شناسایی عوامل کلیدی و رتبه‌بندی آنها بر اساس اهمیت از دیدگاه متخصصان با دقت علمی انجام شود، به طوری که نتایج قابل استناد و مبنای طراحی سیاست‌های محلی و برنامه‌های حمایتی قرار گیرد.

جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان حوزه ازدواج و خانواده استان چهارمحال و بختیاری بود. اندازه نمونه با توجه به منابع دلفی که بین ۵ تا ۲۰ نفر توصیه می‌کند، شامل ۱۰ کارشناس بود که بر اساس دو معیار انتخاب شدند: ۱- داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکتری در رشته‌های مشاوره، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا مطالعات دینی و ۲- حداقل پنج مقاله مرتبط با خانواده و ازدواج. نمونه نهایی شامل چهار نفر دارای دکتری در مشاوره، دو نفر دارای کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و دو نفر دارای دکتری در مطالعات دینی بود.

فرآیند گردآوری داده‌ها

فرآیند جمع‌آوری داده‌ها به دقت در سه مرحله متوالی طراحی شد تا بینش‌های کارشناسان جمع‌آوری شده، اجماع درباره متغیرهای کلیدی حاصل شود.

- **دور اول:** در مرحله اول، مصاحبه‌های عمیق فردی با انتخابی از کارشناسان انجام شد. هدف این مصاحبه‌ها، دوگانه بود: نخست معرفی و روشن‌سازی مسئله اصلی مطالعه و اطمینان از درک کامل شرکت‌کنندگان از اهداف پژوهش؛ دوم، گردآوری دیدگاه‌های گسترده و متنوع کارشناسان. با تشویق به بحث‌های باز، تنوع دیدگاه‌ها و شناسایی متغیرهای مرتبط هدف‌گذاری شد. این گفت‌وگوها به دقت مستندسازی شدند.

- **دور دوم:** پس از دور اول، پرسشنامه‌ای جامع تدوین شد که بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها و تکمیل شده با ادبیات علمی مرتبط شکل گرفت تا بازنمایی کاملی از متغیرها ارائه کند. هدف پرسشنامه، ارائه متغیرهای شناسایی شده به پنل کارشناسان بود تا اهمیت، ارتباط و وضوح هر متغیر ارزیابی شود. قالب

ساختاریافته پرسشنامه، امکان ارزیابی نظام‌مند عناصر پیشنهادی و ارائه نمره یا بازخورد را فراهم کرد. با وجود دریافت بینش‌های ارزشمند، نتایج این دور نشان‌دهنده توافق متوسط میان شرکت‌کنندگان بود که نیازمند اصلاح بیشتر بود.

- دور سوم: در پاسخ به توافق متوسط دور دوم، دور سوم و نهایی داده‌کاوی آغاز شد. هدف این دور، اصلاح و شفاف‌سازی متغیرهای پیشین بر اساس بازخوردها بود. از طریق پرسشنامه بازنگری‌شده یا بحث‌های پیگیری، پژوهشگر با پنل همکاری کرد تا اختلاف‌نظرها را رفع و اجماع قوی‌تری ایجاد کند. این رویکرد تکراری اجازه داد تا تنظیم‌های نهایی انجام شود و مجموعه متغیرهای نهایی، چارچوبی جامع و مورد توافق جمعی را فراهم آورد.

معیار اجماع و تحلیل داده‌ها

داده‌های دور اول با تحلیل محتوا و داده‌های دور دوم و سوم با تحلیل کمی شامل شاخص‌های گرایش مرکزی (میانگین) و پراکندگی (انحراف معیار) تحلیل شدند. ضریب توافق کندال (Kendall W) برای سنجش سطح اجماع میان کارشناسان به کار رفت و تحلیل داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام شد. فرآیند دلفی تا دور سوم ادامه یافت و سپس متوقف شد، زیرا ضریب توافق کندال در دور سوم نسبت به دور دوم، تغییر معناداری نشان نداد و به این ترتیب اجماع کافی از دیدگاه متخصصان حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

در دور اول دلفی، پاسخ‌دهندگان در مجموع دوازده عامل را مطرح کردند که با ترکیب برخی از آنها، تعداد هفت عامل را مطرح کردند. در جدول (۱)، نتایج مرتبط با بخش دوم پرسشنامه دوره اول دلفی درج شده است.

**جدول ۱- نتایج مرتبط با دور اول دلفی که با توجه به تحلیل محتوا
از گفت‌وگوهای آنان استخراج شد**

تأثیر بر کاهش فرزندآوری	تأثیر بر کاهش ازدواج	متغیرها
*	*	مشکلات اقتصادی
-	*	تمایل به روابط بدون قید و بند
-	*	رضایت نداشتن خانواده مبدأ
*	*	گرایش به سبک زندگی غربی
*	*	کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان
*	*	بیکاری و نداشتن شغل در مردان
-	*	عدم اعتماد به جنس مخالف
-	*	روابط گسترده با جنس مخالف قبل از ازدواج
-	*	نبود شریک مناسب
*	*	عدم بلوغ روانی و شخصیتی
-	*	ترس از خیانت همسر
*	*	تمایل زنان به ادامه تحصیل
-	*	افزایش قدرت اقتصادی زنان
-	*	عوامل خانوادگی مانند طلاق والدین و تعارض‌های زناشویی
-	*	افزایش آمار طلاق در کشور
-	*	ضعیف شدن باورهای مذهبی مردم
*	-	تغییر نگرش از کمیت به کیفیت در ازدواج
*	*	شاغل شدن زنان
*	*	رشد شهرنشینی
*	-	دسترسی آسان به وسایل پیشگیری از بارداری
*	-	نگرانی از آینده شغلی فرزندان

نتایج دور دوم دلفی

در پرسشنامه دور دوم، فهرستی از عواملی ارائه شد که شرکت کنندگان در دور اول به عنوان عوامل مؤثر بر کاهش ازدواج و فرزندآوری مطرح کرده بودند. در این بخش، پاسخگو باید نظر خود را درباره میزان تأثیر هر یک از این عوامل بر کاهش ازدواج و فرزندآوری با انتخاب یکی از گزینه‌های موجود در مقابل آنها اعلام می‌کرد. این گزینه‌ها در غالب طیف لیکرت و شامل تأثیر بسیار کم ۱، تأثیر کم ۲، تأثیر متوسط ۳، تأثیر زیاد ۴ و تأثیر بسیار زیاد ۵ ارائه شد. در جدول (۲)، نتایج دور دوم روش دلفی شامل مواردی مانند تعداد پاسخ‌ها برای هر گویه، میانگین پاسخ‌ها، انحراف معیار و ترتیب اهمیت هر عامل بر اساس میانگین پاسخ‌ها و درصد اعضایی که ترتیب هر عامل را مانند ترتیب گروه تعیین کرده‌اند، درج شده است.

جدول ۲- نتایج مرتبط با دور دوم دلفی درباره عوامل مؤثر بر کاهش ازدواج در جوانان

متغیرها	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف استاندارد
بیکاری و نداشتن شغل در مردان	۱۰	۴/۵۰	۰/۵۲
تمایل زنان به ادامه تحصیل	۱۰	۴/۳۰	۰/۶۷
مشکلات اقتصادی	۱۰	۴/۲۰	۰/۶۳
کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان	۱۰	۴/۲۰	۰/۶۳
عوامل خانوادگی مانند طلاق والدین و تعارض‌های زناشویی	۱۰	۴/۲۰	۰/۶۳
افزایش آمار طلاق در کشور	۱۰	۴/۱۰	۰/۵۶
گرایش به سبک زندگی غربی	۱۰	۴/۰۰	۰/۶۶
افزایش قدرت اقتصادی زنان	۱۰	۴/۰۰	۰/۴۷
شاغل شدن زنان	۱۰	۴/۰۰	۰/۶۶
رشد شهرنشینی	۱۰	۴/۰۰	۰/۴۷
عدم بلوغ روانی - شخصیتی	۱۰	۳/۸۰	۰/۶۳

۰/۴۸	۳/۷۰	۱۰	رضایت نداشتن خانواده مبدأ
۰/۸۱	۳/۰۰	۱۰	روابط گسترده با جنس مخالف قبل از ازدواج
۰/۶۶	۳/۰۰	۱۰	تمایل به روابط بدون قید و بند
۰/۷۳	۲/۹۰	۱۰	ترس از خیانت همسر
۰/۵۱	۲/۶۰	۱۰	عدم اعتماد به جنس مخالف

جدول (۲)، نتایج به دست آمده از دور دوم دلفی را در ارتباط با عوامل مؤثر بر کاهش ازدواج در جوانان نشان می‌دهد. بر اساس میانگین پاسخ‌های کارشناسان، مهم‌ترین عوامل بازدارنده ازدواج شامل بیکاری و نداشتن شغل در مردان (میانگین ۴/۵۰)، تمایل زنان به ادامه تحصیل (۴/۳۰)، مشکلات اقتصادی (۴/۲۰)، کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان (۴/۲۰) و عوامل خانوادگی نظیر طلاق والدین و تعارض‌های زناشویی (۴/۲۰) بوده است. در مقابل، عواملی مانند عدم اعتماد به جنس مخالف (۲/۶۰)، ترس از خیانت همسر (۲/۹۰) و تمایل به روابط بدون قید و بند (۳/۰۰)، کمترین میانگین را داشته و از دیدگاه خبرگان در اولویت پایین‌تری نسبت به سایر متغیرها قرار گرفته است. به طور کلی یافته‌ها در دور دوم دلفی نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، اشتغال و تحصیل زنان و نیز تحولات فرهنگی-اجتماعی، بیشترین تأثیر را بر کاهش نرخ ازدواج جوانان دارد. ضریب کندال در این دور، ۰/۵۳ بود که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود.

جدول ۳- نتایج مرتبط با دور دوم دلفی درباره عوامل مؤثر

بر کاهش فرزندآوری در جوانان

متغیرها	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار پاسخ‌ها
کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان	۱۰	۴/۶۰	۰/۵۱
مشکلات اقتصادی	۱۰	۴/۵۰	۰/۵۲
نگرانی از آینده شغلی فرزندان	۱۰	۴/۵۰	۰/۵۲
شاغل شدن زنان	۱۰	۴/۴۰	۰/۵۱
تمایل زنان به ادامه تحصیل	۱۰	۴/۳۰	۰/۴۸
بیکاری و نداشتن شغل در مردان	۱۰	۴/۲۰	۰/۶۳

۰/۵۶	۴/۱۰	۱۰	گرایش به سبک زندگی غربی
۰/۵۱	۴/۱۰	۱۰	رشد شهرنشینی
۰/۶۷	۳/۷۰	۱۰	تعارض زناشویی با همسر
۰/۷۸	۳/۲۰	۱۰	عدم بلوغ روانی - شخصیتی
۰/۵۶	۳/۱۰	۱۰	دسترسی آسان به وسایل پیشگیری از بارداری

جدول (۳)، نتایج حاصل از دور دوم دلفی را درباره عوامل مؤثر بر کاهش فرزندآوری در جوانان نشان می‌دهد. بررسی میانگین پاسخ‌ها بیانگر آن است که کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان، مشکلات اقتصادی و نگرانی از آینده شغلی فرزندان به عنوان مهم‌ترین موانع فرزندآوری شناسایی شده‌اند. پس از این موارد، عواملی همچون شاغل شدن زنان، تمایل زنان به ادامه تحصیل و بیکاری و نداشتن شغل در مردان در مراتب بعدی قرار دارد. همچنین گرایش به سبک زندگی غربی و رشد شهرنشینی از دیگر عوامل برجسته معرفی شده است. در مقابل، عواملی چون تعارض زناشویی با همسر، عدم بلوغ روانی - شخصیتی و دسترسی آسان به وسایل پیشگیری از بارداری، پایین‌ترین میانگین‌ها را داشته و از نظر خبرگان، نقش نسبتاً کمتری در کاهش فرزندآوری دارد. به طور کلی نتایج نشان می‌دهد که ترکیبی از عوامل اقتصادی، مذهبی - ارزشی و نقش‌های اجتماعی زنان، بیشترین اثرگذاری را بر کاهش فرزندآوری جوانان داشته است. ضریب کندال در این دور، ۰/۵۲ بود که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود.

نتایج پرسشنامه دور سوم دلفی

در این دور، مجموعه عواملی ارائه شد که شرکت‌کنندگان در دور دوم آنها را به عنوان عوامل کلیدی و مؤثر بر کاهش ازدواج و فرزندآوری مطرح می‌کردند. میانگین تأثیر این عوامل زیاد و بسیار زیاد بود. در مقابل هر عامل نیز میانگین پاسخ‌های اعضای کار گروه در دوره‌های پیش و پاسخ هر فرد نیز به صورت جداگانه درج شد. در این بخش، پاسخ‌دهنده می‌بایست مجدداً نظر خود را درباره میزان تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر کاهش ازدواج و فرزندآوری با انتخاب یکی از گزینه‌های موجود در مقابل آنها اعلام می‌کرد.

جدول ۴- نتایج مرتبط با دور سوم دلفی درباره عوامل

مؤثر بر کاهش ازدواج در جوانان

متغیرها	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف استاندارد
مشکلات اقتصادی	۱۰	۴/۹۰	۰/۳۱
بیکاری و نداشتن شغل در مردان	۱۰	۴/۹۰	۰/۳۱
عوامل خانوادگی مانند طلاق والدین و تعارض‌های زناشویی	۱۰	۴/۸۰	۰/۴۲
کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان	۱۰	۴/۲۰	۰/۶۳
شاغل شدن زنان	۱۰	۴/۲۰	۰/۴۲
کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان	۱۰	۴/۲۰	۰/۴۲
افزایش قدرت اقتصادی زنان	۱۰	۴/۲۰	۰/۴۲
رشد شهرنشینی	۱۰	۴/۱۰	۰/۳۱
گرایش به سبک زندگی غربی	۱۰	۴/۱۰	۰/۳۱
تمایل زنان به ادامه تحصیل	۱۰	۴/۰۰	۰/۰۱
افزایش آمار طلاق در کشور	۱۰	۳/۹۰	۰/۳۱

جدول (۴)، نتایج دور سوم دلفی را درباره عوامل مؤثر بر کاهش ازدواج در جوانان نشان می‌دهد. مطابق یافته‌ها، مشکلات اقتصادی و بیکاری و نداشتن شغل در مردان با میانگین ۴/۹۰ و انحراف معیار ۰/۳۱ به عنوان اصلی‌ترین موانع ازدواج جوانان شناسایی شدند. پس از آن، عوامل خانوادگی نظیر طلاق والدین و تعارض‌های زناشویی در رتبه بعدی قرار گرفت. همچنین عواملی چون کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان، شاغل شدن زنان و افزایش قدرت اقتصادی زنان، همگی با میانگین ۴/۲۰ از دیدگاه خبرگان دارای اهمیت بالایی هستند. در کنار این موارد، رشد شهرنشینی و گرایش به سبک زندگی غربی (هر دو با میانگین ۱۰/۴) نیز نقش چشمگیری در کاهش ازدواج دارند. نتایج نشان می‌دهد که در دور سوم، اجماع بیشتری در بین کارشناسان به دست آمده است، به طوری که انحراف معیار اکثر متغیرها کاهش یافته است. این موضوع

نشان‌دهنده توافق بالای متخصصان بر اهمیت ترکیبی از عوامل اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی - اجتماعی در کاهش ازدواج جوانان است. ضریب کندال در این دور، ۰/۵۴ بود که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. با توجه به اینکه میزان افزایش ضریب کندال نسبت به دور قبل ناچیز بود، مراحل دلفی در همین مرحله متوقف شد.

جدول ۵- نتایج مرتبط با دور سوم دلفی درباره عوامل مؤثر

بر کاهش فرزندآوری در جوانان

متغیرها	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار پاسخ‌ها
رشد شهرنشینی	۱۰	۴/۹۰	۰/۳۱
شاغل شدن زنان	۱۰	۴/۹۰	۰/۳۱
نگرانی از آینده شغلی فرزندان	۱۰	۴/۸۰	۰/۴۲
بیکاری و نداشتن شغل در مردان	۱۰	۴/۸۰	۰/۴۲
مشکلات اقتصادی	۱۰	۴/۸۰	۰/۴۲
کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان	۱۰	۴/۶۰	۰/۵۱
تمایل زنان به ادامه تحصیل	۱۰	۴/۳۰	۰/۴۸
گرایش به سبک زندگی غربی	۱۰	۴/۰۰	۰/۴۷

جدول (۵)، نتایج دور سوم دلفی را درباره عوامل مؤثر بر کاهش فرزندآوری در جوانان ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که رشد شهرنشینی و شاغل شدن زنان (هر دو با میانگین ۴/۹۰ و انحراف معیار ۰/۳۱)، مهم‌ترین عوامل بازدارنده فرزندآوری در میان جوانان است. پس از این موارد، نگرانی از آینده شغلی فرزندان، بیکاری و نداشتن شغل در مردان و مشکلات اقتصادی (هر کدام با میانگین ۴/۸۰) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در سطح بعدی، کاهش ایمان و باورهای دینی جوانان، تمایل زنان به ادامه تحصیل و گرایش به سبک زندگی غربی نیز از دیگر عوامل مؤثر اما نسبتاً کم‌اهمیت‌تر در مقایسه با عوامل اقتصادی و اجتماعی یادشده ارزیابی شده‌اند. به طور کلی نتایج این

دور نشان می‌دهد که اجماع بیشتری میان خبرگان شکل گرفته و عوامل مرتبط با شرایط اقتصادی، اشتغال و تغییر نقش‌های اجتماعی زنان در اولویت اصلی کاهش فرزندآوری جوانان قرار دارد. ضریب کندال در این دور، ۰/۵۵ بود که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود که نسبت به مرحله قبل، ۳ درصد رشد داشته است.

نتیجه‌گیری

نتایج دور نهایی دلفی نشان می‌دهد که کارشناسان، بیشترین اجماع را بر نقش عوامل اقتصادی و اشتغال در کاهش ازدواج و فرزندآوری جوانان داشته‌اند. در حوزه ازدواج، مشکلات اقتصادی و بیکاری مردان به عنوان اصلی‌ترین موانع معرفی شدند و پس از آن عوامل خانوادگی، کاهش باورهای دینی، تغییر نقش زنان (اشتغال و افزایش قدرت اقتصادی) و تحولات فرهنگی-اجتماعی همچون رشد شهرنشینی و گرایش به سبک زندگی غربی قرار گرفتند. در زمینه فرزندآوری نیز رشد شهرنشینی و اشتغال زنان در صدر عوامل بازدارنده بودند و نگرانی از آینده شغلی فرزندان، بیکاری مردان و مشکلات اقتصادی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند؛ در حالی که کاهش ایمان، تمایل زنان به ادامه تحصیل و سبک زندگی غربی در سطحی پایین‌تر، اثرگذار شناخته شدند. در مجموع یافته‌ها بر ترکیب عوامل اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی-اجتماعی به عنوان محورهای اصلی کاهش ازدواج و فرزندآوری تأکید دارد و ضریب کندال نشان‌دهنده دستیابی به اجماع قابل توجه میان خبرگان است.

منابع اقتصادی به عنوان عاملی تعیین‌کننده در تصمیم‌های مربوط به ازدواج و فرزندآوری ظاهر شدند که با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد (ر.ک: التجایی و عزیززاده، ۱۳۹۵: ۱؛ ترابی و شمس قهفرخی، ۱۴۰۰: ۱). Bloom & Ang, 2020: 1. این موضوع تأکید می‌کند که ثبات مالی، تأثیر مهمی بر انتخاب‌های زندگی فردی دارد، زیرا افراد و زوجها معمولاً شرایط اقتصادی خود را قبل از تعهدات بلندمدت ارزیابی می‌کنند. ارتباط ناپایداری اقتصادی با به تعویق افتادن ازدواج به‌ویژه قابل توجه است. اپنهایمر^۱ (۱۹۸۸) معتقد است که عدم قطعیت موجب تأخیر در تعهدات زناشویی می‌شود و وقتی افراد

عدم ثبات اقتصادی را احساس کنند، احتمال ازدواج در آنها کاهش می‌یابد. در مقابل، شرایط اقتصادی مطلوب نه تنها امنیت مالی لازم برای ازدواج را فراهم می‌آورد، بلکه افراد را به ازدواج زود هنگام تر ترغیب می‌کند. این دیدگاه با تحلیل‌های تاریخی همسو است که بحران‌های اقتصادی را عامل کاهش نرخ ازدواج و تولد می‌دانند (ر.ک: Lee, 2001; Van Bavel, 1990: 1). بحران‌های اقتصادی معمولاً استرس و عدم اطمینان را افزایش داده و باعث می‌شود افراد ثبات مالی را به روابط شخصی ترجیح دهند. همچنین ارتباط رکود اقتصادی با روندهای باروری به‌طور گسترده‌ای مستند شده است (ر.ک: Ogawa, 2020; Maharaj & Shangase, 2003: 89). این مطالعات نشان می‌دهد که در دوره‌های رکود اقتصادی، زوجها تمایل به فرزندآوری را به تعویق انداخته یا از آن صرف‌نظر می‌کنند که تأثیرات جمعیتی و اقتصادی گسترده‌ای دارد.

گرایش به سبک زندگی غربی نشان‌دهنده تغییر فرهنگی عمیقی است که بر تصمیم‌های ازدواج و فرزندآوری تأثیر گذاشته است. مطالعات پیشین، نقش مهم برداشت‌های فرهنگی را در شکل‌دهی نگرش‌ها نسبت به فرزندآوری برجسته کرده‌اند (ر.ک: ترابی و فراش خیالو، ۱۳۹۹). ورود ارزش‌های فردگرایانه رایج در فرهنگ غرب ممکن است به کاهش فرزندآوری کمک کند. لینینگر^۱ (۱۹۸۵) معتقد است که فرهنگ بر فرایندهای تصمیم‌گیری تأثیرگذار است و تغییرات فرهنگی مستقیماً رفتارهای باروری را شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد همگرا شدن فرهنگی کشورهای آسیایی مانند ایران با این فرهنگ‌ها در کاهش نرخ تولد مؤثر بوده است (ترابی و فراش خیالو، ۱۳۹۹: ۷).

باورها و تعالیم دینی از نظر تاریخی، اهمیت ازدواج و زندگی خانوادگی را برجسته کرده‌اند و در بسیاری از فرهنگ‌ها، پایه‌های اساسی به‌شمار می‌روند (ر.ک: Gupta, 2023). مطالعات متعددی، رابطه تعهد دینی با گرایش بالاتر به ازدواج و فرزندآوری را نشان داده‌اند (ر.ک: Aman et al, 2021; Mahoney et al, 2003; Kalmijn, 1998). این همبستگی ممکن است ناشی از ارزش‌ها و هنجارهای دینی باشد که تقدس ازدواج و اهمیت فرزندآوری را تأکید می‌کنند. علاوه بر این، تصور بارداری و تولد به‌عنوان

رخدادهای معنوی می‌تواند فرهنگی را ایجاد کند که برای این تجربه‌ها، ارزش زیادی قائل است و آنها را بخشی از تکالیف دینی و اجتماعی می‌داند (ر.ک: Moloney, 2007). بنابراین کاهش پایبندی دینی می‌تواند به تغییر نگرش‌ها نسبت به ازدواج و فرزندآوری منجر شود؛ زیرا افراد بیشتر بر باورهای شخصی و ارزش‌های سکولار تأکید می‌کنند و نقش‌های ازدواج و خانواده را بازتعریف می‌کنند.

مطالعات متعددی بر نقش وضعیت اشتغال در تصمیم‌های ازدواج تأکید کرده‌اند است (ر.ک: صادقی و گوهری، ۱۳۹۶: ۱۴۱؛ Nduonofit et al, 2015). ثبات اقتصادی به عنوان پیش‌نیاز ازدواج شناخته شده و افراد بیکار، نرخ ازدواج پایین‌تری دارند (ر.ک: Autor et al, 2019). این یافته با انتظارات اجتماعی در ایران همسو است، جایی که تأمین اقتصادی، یکی از معیارهای اصلی آمادگی برای ازدواج محسوب می‌شود (ر.ک: Bloome & Ang, 2020). در این زمینه، انتظار می‌رود افراد پیش از ازدواج به ثبات مالی قابل قبولی دست یابند که نقش جنسیتی سنتی را تقویت می‌کند. همچنین افزایش اهداف تحصیلی و شغلی زنان، پیچیدگی‌های جدیدی به الگوهای ازدواج افزوده است، به طوری که زنان برای ازدواج با افرادی که اهداف و سطح اجتماعی-اقتصادی مشابه خود دارند، تأخیر قائل می‌شوند (1: Schwartz & Han, 2014). در نتیجه تعامل میان اشتغال، ثبات اقتصادی و نقش‌های جنسیتی در حال تغییر الگوهای ازدواج و نگرش نسبت به آن است.

تمایل به ادامه تحصیل، اشتغال و افزایش قدرت اقتصادی زنان از جمله متغیرهایی است که در تأخیر سن ازدواج و کاهش فرزندآوری، نقش آنها تأیید شده است (ر.ک: Goldstein & Kenney, 2001: 506; Becker, 1991). نرخ ازدواج، افزایش دسترسی زنان به تحصیل و بازار کار است. جامعه در حال مدرن شدن است و زنان با نرخ‌های بسیار بالاتری وارد بازار کار می‌شوند. در سال ۲۰۱۸، زنان حدود ۴۳/۸٪ از نیروی کار جهان را تشکیل می‌دادند (ر.ک: سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۱۸). گفته می‌شود این موضوع، وابستگی زنان به مردان را کاهش داده، جذابیت ازدواج را کم می‌کند، که منجر به انتخاب مدل‌های خانوادگی و سبک زندگی‌های جایگزین مانند هم‌باشی یا تجرد می‌شود (ر.ک: Mohlabane et al, 2019).

مسائل خانوادگی مانند تعارض والدین و طلاق، نقش مهمی در کاهش تمایل نسل

جوان به ازدواج ایفا می‌کند (ر.ک: Amato & DeBoer, 2001; D'Onofrio et al, 2007). مطالعات متعددی نشان داده‌اند که تعارضات والدین و طلاق، نگرش کودکان نسبت به ازدواج را تحت تأثیر قرار داده و اغلب احساس عدم اطمینان نسبت به نهاد ازدواج را در آنها ایجاد می‌کند. کودکانی که شاهد جدایی و طلاق والدین هستند، ممکن است باور کنند که ازدواج، دائمی نیست. این دیدگاه در مقایسه با کودکان خانواده‌های سالم که ازدواج را رابطه‌ای پایدار و مادام‌العمر می‌دانند، برجسته‌تر است (ر.ک: Amato & DeBoer, 2001). تجربه مشاهده جدایی والدین می‌تواند شک و تردید نسبت به دوام ازدواج ایجاد کند که نگرش‌ها و انتظارات آینده کودکان از روابط را شکل می‌دهد (Kapinus, 2005: 319). بنابراین این تجربه‌های شکل‌گیری می‌تواند منجر به تردید در پیگیری ازدواج شود، زیرا جوانان تمایل دارند ثبات و امنیت را بر تعهدات سنتی ترجیح دهند. این تغییر نگرش، پیچیدگی تعامل بین پویایی‌های خانوادگی و نگرش‌های اجتماعی نسبت به ازدواج را نشان می‌دهد و تأثیر پایدار روابط والدینی بر نسل‌های بعدی را برجسته می‌کند.

همزمان، شهرنشینی هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی را به همراه دارد که ساختار خانواده‌ها را دستخوش تغییر می‌کند. محیط‌های شهری معمولاً با هزینه‌های بالاتر زندگی و تغییر ایده‌آل‌های خانوادگی همراه است که ممکن است خانواده‌های پرجمعیت را نامطلوب کند (Yi & Vaupel, 1989: 439-441). امروزه پذیرفته شده است که شهرنشینی علاوه بر بعد جمعیتی، فرایندی اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای نیز هست. افراد به دنبال زندگی بهتر، امکانات خاص، دسترسی به خدمات و کالاها و فعالیت‌های تفریحی به شهرها مهاجرت می‌کنند. نظریه مدرنیزاسیون پیش‌بینی کرده است که رفتارهای متنوع خانواده‌ها در کشورهای غیر غربی تحت تأثیر صنعتی شدن و شهرنشینی به سمت مدل خانواده هسته‌ای غربی گرایش خواهد یافت (ر.ک: Adams, 2010). به طور خاص، انتظار می‌رود شهرنشینی و صنعتی شدن، سیستم‌های خانوادگی سنتی را به سمت انواع خاصی از خانواده‌های زناشویی تغییر دهد. معمولاً پیش‌بینی می‌شود شهرنشینی، باروری را کاهش دهد، زیرا زندگی شهری، هزینه‌های مرتبط با پرورش کودکان را افزایش می‌دهد. مسکن شهری، گران‌تر است و کودکان در شهرها معمولاً سهم کمتری در تولید خانگی دارند. علاوه بر این شهرنشینی ممکن است باعث تغییر نگرش‌ها نسبت به خانواده‌های

بزرگ شود. همچنین دسترسی بهتر ساکنان شهری به روش‌های مدرن کنترل بارداری، امکان کاهش باروری را تسهیل می‌کند (ر.ک: کاوه و حاجی حسنی، ۱۴۰۳).

در نهایت نگرانی درباره آینده اقتصادی فرزندان به طور چشمگیری بر تصمیم‌های فرزندآوری تأثیرگذار است، که این یافته با مطالعات پیشین همخوانی دارد (Brauner, 2018: 88). شرایط اقتصادی مانند وضعیت اشتغال، درآمد و چشم‌انداز شغلی مدت‌هاست که با رفتارهای باروری مرتبط است و زمان‌بندی و نحوه تشکیل خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شواهد جدید نشان می‌دهد که رابطه‌ای چرخه‌ای بین شرایط اقتصادی و نتایج باروری وجود دارد، به گونه‌ای که نوسانات اقتصادی منجر به تغییرات هم‌زمان در نرخ تولد و تصمیم‌های برنامه‌ریزی خانواده می‌شود (ر.ک: Schneider, 2015). جوانان امروز با فضای اقتصادی نامطمئن و ناپایداری شغلی روبه‌رو هستند که تصمیم‌گیری‌های آنان درباره ازدواج و خانواده را پیچیده می‌کند (ر.ک: Blossfeld et al, 2006). این عدم قطعیت معمولاً به تمایل به تعویق انداختن فرزندآوری می‌انجامد، زیرا والدین بالقوه تبعات مالی شرایط خود را بر آینده فرزندان می‌سنجند. با کاهش امنیت شغلی و عدم اطمینان نسبت به آینده کاری، تمایل به تأخیر در فرزندآوری افزایش می‌یابد و اولویت افراد به ثبات مالی نسبت به توسعه فوری خانواده تغییر می‌کند. این تغییر، نقش حیاتی عوامل اقتصادی را در شکل‌دهی انتخاب‌های باروری برجسته می‌کند.

این مطالعه چند محدودیت دارد، از جمله انتخاب غیر تصادفی شرکت‌کنندگان که می‌تواند تعمیم نتایج را تحت تأثیر قرار دهد. فقدان داده از افراد مجرد یا زوج‌های بدون فرزند ممکن است دیدگاه‌های مهمی درباره دلایل تأخیر ازدواج و کاهش فرزندآوری را نادیده بگیرد. پژوهش‌های آینده باید رویکردهای ترکیبی (کمی-کیفی) را برای درک کامل‌تر این پویایی‌ها به کار گیرند. همچنین مداخلات آزمایشی روی متغیرهای شناسایی شده می‌تواند بینش‌های مفیدی برای بهبود شرایط ازدواج و فرزندآوری ارائه کند.

راهکارهای پیشنهادی برای بهبود ازدواج جوانان

یافته‌های پژوهش نشان داد که مشکلات اقتصادی، بیکاری و نداشتن شغل در مردان و

همچنین عوامل خانوادگی و فرهنگی از مهم‌ترین موانع ازدواج جوانان هستند. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود سیاست‌های حمایتی اقتصادی نظیر ارائه وام ازدواج با بازپرداخت بلندمدت، تخصیص کمک‌هزینه مسکن به زوج‌های جوان و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار به‌ویژه در مناطق محروم استان در اولویت قرار گیرد. علاوه بر این، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای تقویت مهارت‌های زندگی مشترک و کاهش تعارض‌های زناشویی باید توسعه یابد. همچنین طراحی کمپین‌های فرهنگی با تأکید بر ارزش‌های بومی و خانوادگی می‌تواند نقش مؤثری در تغییر نگرش جوانان نسبت به ازدواج ایفا کند.

راهکارهای پیشنهادی برای بهبود فرزندآوری جوانان

مطابق نتایج تحقیق، رشد شهرنشینی، اشتغال زنان، نگرانی از آینده شغلی فرزندان و مشکلات اقتصادی از عوامل اصلی کاهش تمایل به فرزندآوری بوده‌اند. بنابراین توصیه می‌شود سیاست‌های حمایتی ویژه زنان شاغل مانند مرخصی زایمان با حقوق کافی، ساعات کاری انعطاف‌پذیر و ایجاد مراکز مراقبت از کودک در محیط‌های کاری و محلات به‌طور جدی اجرا شود. همچنین حمایت‌های اقتصادی نظیر اعطای یارانه‌های مضاعف برای خانواده‌های دارای فرزند و تضمین دسترسی رایگان به خدمات آموزشی و بهداشتی کودکان می‌تواند انگیزه فرزندآوری را افزایش دهد. در کنار این اقدامات، طراحی برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای تبیین اهمیت فرزندآوری و کاهش نگرانی‌های جوانان نسبت به آینده شغلی و اقتصادی فرزندان نیز ضروری است.

منابع

- التجایی، ابراهیم و مینا عزیززاده (۱۳۹۵) «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان استانی»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳، صص ۱-۱۹.
- ترابی، فاطمه و زهرا شمس قهفرخی (۱۴۰۰) «عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در ایران و جهان»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳۲، صص ۱۴۱-۱۷۵.
- ترابی، فاطمه و نورالدین فراش خیالو (۱۳۹۹) «بررسی و مقایسه روند کاهش باروری در کشورهای آسیایی با استفاده از تحلیل پیشینیه واقعه»، مطالعات راهبردی زنان، سال بیست و سوم، شماره ۹۰، صص ۷-۳۱.
- ترکشوند مرادآبادی، محمد و سروش واحد (۱۴۰۰) «بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ایده‌آل ازدواج در جوانان مواجه با تأخیر ازدواج در استان یزد»، فرهنگ یزد، سال سوم، شماره ۳، صص ۵۳-۸۴.
- رهنما، آمنه و نسیمه روزبه و علی سلیمی اصل و زهره کاظمی گراشی و مهشید عباس زاده و فاطمه دبیری (۱۴۰۱) «عوامل مرتبط با فرزندآوری در ایران: یک مطالعه مروری سیستماتیک»، طب پیشگیری، سال نهم، شماره ۱، صص ۶-۱۷.
- سعیدی، ابوطالب (۱۳۹۷) «مروری بر نقش فرهنگ در سلامت (مطالعه مورد: قوم لر در استان چهارمحال و بختیاری)»، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال چهارم، شماره ۳، صص ۱-۹.
- صادقی، رسول و محمد شکفته گوهری (۱۳۹۶) «مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران»، برنامهریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۱۴۲-۱۷۵.
- غفاری سردشت، فاطمه و زهرا متقی (۱۳۹۹) «تبیین عوامل مؤثر بر فرزندآوری بر اساس دیدگاه زنان: یک مطالعه کیفی»، نوید نو، سال بیست‌وسوم، شماره ۷۶، صص ۳۳-۴۳.
- کاوه، منیژه و مهرداد حاجی حسنی (۱۴۰۳) «بررسی علل کاهش نرخ ازدواج و فرزندآوری در استان چهارمحال و بختیاری (گزارش پژوهشی)»، اداره کل ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری.
- مطلق، محمداسماعیل و مجذوبه طاهری و محمد اسلامی و سیدداود نصرالله‌پور شیروانی (۱۳۹۵) «عوامل مؤثر بر ترجیحات باروری در زنان اقوام ایرانی»، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، سال ششم، شماره ۱۴، صص ۴۸۵-۴۹۵.
- مولانپناه، زهره و احسان رحمانی خلیلی و منصور وثوقی (۱۴۰۰) «مطالعه جامعه‌شناختی زمینه‌ها و پیامدهای تأخیر سن ازدواج در بین مردان مجرد شهر تهران»، مطالعات راهبردی زنان، سال بیست و چهارم، شماره ۹۴، صص ۱۶۱-۱۸۴.

یزدانی، عباسعلی و سیمین دوستی (۱۳۹۶) «اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن»، پژوهشنامه مدد کاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، صص ۷۵-۱۰۰.

- Adams, B. N. (2010) Themes and threads of family theories: A brief history. *Journal of Comparative Family Studies*, 41(4), pp. 499-505.
- Ajzen, I. (1985) From intentions to actions: A theory of planned behavior. Berlin: Springer.
- Ajzen, I. (1991) The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Process*, 50, pp. 179-211.
- (1991) The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), pp. 179-211.
- [https://doi.org/10.1016/0749-5978\(91\)90020-T](https://doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T)
- (2006) Constructing a TPB questionnaire: Conceptual and methodological considerations. Retrieved from <http://people.umass.edu/aizen/pdf/tpb.measurement.pdf>
- Ajzen, I., & Fishbein, M. (1977) Attitude-behavior relations: A theoretical analysis and review of empirical research. *Psychological Bulletin*. 84 (5), 889.
- Aman, J., Abbas, J., Lela, U., & Shi, G. (2021) Religious affiliation, daily spirituals, and private religious factors promote marital commitment among married couples: does religiosity help people amid the COVID-19 crisis? *Frontiers in psychology*, 12, 657400.
- Amato, P. R. (2000) The consequences of divorce for adults and children. *Journal of marriage and family*, 62(4), 1269-1287.
- Amato, P. R., & DeBoer, D. D. (2001) The transmission of marital instability across generations: Relationship skills or commitment to marriage?. *Journal of marriage and family*, 63(4), pp. 1038-1051.
- Amato, P. R., Johnson, D. R., Booth, A., & Rogers, S. J. (2003). Continuity and change in marital quality between 1980 and 2000. *Journal of Marriage and Family*, 65, pp. 1-22.
- Armitage, C.J., & Conner, M. (2001) Efficacy of the theory of planned behavior: A meta-analytic view. *British Journal of Social Psychology*, 40, 487.
- Australian Institute of Family Studies. (2023) Family structure, child outcomes and environmental mediators. Retrieved from aifs.gov.au
- Autor, D., Dorn, D., & Hanson, G. (2019) When work disappears: Manufacturing decline and the falling marriage market value of young men. *American Economic Review: Insights*, 1(2), pp. 161-178.
- Bachrach, C., Hindin, M. J., & Thomson, E. (2000) The changing shape of ties that bind: An overview and synthesis. In L. J. Waite (Ed.), *The ties that bind: Perspectives on marriage and cohabitation* (pp. 3-16). New York: Aldine de Gruyter.
- Balbo, N., & Barban, N. (2014) Does fertility behavior spread among friends? *American sociological review*, 79(3), pp. 412-431.

- Becker, G. S. (1991) *A treatise on the family*. Harvard University Press.
- Billari, F. C., Liefbroer, A. C., & Philipov, D. (2006) The postponement of childbearing in Europe: Driving forces and implications. *Vienna Yearbook of Population Research*, pp. 1-17.
- Bloome, D., & Ang, S. (2020) Marriage and Union Formation in the United States: Recent Trends Across Racial Groups and Economic Backgrounds. *Demography*, 57(5), pp. 1753–1786. <https://doi.org/10.1007/s13524-02000910-7>
- Blossfeld, H. P., Klijzing, E., Mills, M., & Kurz, K. (Eds.), (2006) *Globalization, uncertainty and youth in society: The losers in a globalizing world*. Routledge
- Brauner-Otto, S. R., & Geist, C. (2018) Uncertainty, doubts, and delays: Economic circumstances and childbearing expectations among emerging adults. *Journal of Family and Economic Issues*, 39, pp. 88-102.
- Cherlin, A. J. (2004) The deinstitutionalization of American marriage. *Journal of Marriage and Family*, 66, pp. 848- 861.
- Cherlin, A., Cumberworth, E., Morgan, S. P., & Wimer, C. (2013) The effects of the Great Recession on family structure and fertility. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 650(1), pp. 214-231.
- Cleland, J., & Wilson, C. (1987) Demand theories of the fertility transition: An iconoclastic view. *Population studies*, 41(1), pp. 5-30.
- Collins, C. (2019) *Making motherhood work: How women manage careers and caregiving*. Princeton University Press.
- Colman, Warren. "Marriage as a psychological container." *Psychotherapy with couples*. Routledge, 2018. pp. 70-96.
- Cunningham, M., & Thornton, A. (2005) The influence of union transitions on white adults' attitudes toward cohabitation. *Journal of Marriage and Family*, 67(3), pp. 710-720.
- D'Onofrio, B. M., Turkheimer, E., Emery, R. E., Harden, K. P., Slutske, W. S., Heath, A. C., ... & Martin, N. G. (2007) A genetically informed study of the intergenerational transmission of marital instability. *Journal of Marriage and Family*, 69(3), pp. 793-809.
- Goldstein, J. R., & Kenney, C. T. (2001) Marriage delayed or marriage forgone? New cohort forecasts of first marriage for U.S. women. *American Sociological Review*, 66(1), pp. 24-40.
- Gupta, G. R. (2023) *Marriage, religion and society: Pattern of change in an Indian village*. Taylor & Francis
- Hayford, S. R., Guzzo, K. B., & Smock, P. J. (2014) The decoupling of marriage and parenthood? Trends in the timing of marital first births, 1945–2002. *Journal of Marriage and Family*, 76(3), pp. 520-538.
- Hewitt, B., Baxter, J., & Western, M. (2005) Marriage breakdown in Australia: The social correlates of separation and divorce. *Journal of Sociology*, 41(2), pp. 163-183.
- International Labour Organization (2018) *Women in business and management: The business case for change*. Geneva: International Labour Organization.

- https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---dgreports/---dcomm/---publ/documents/publication/wcms_645703.pdf.
- Kalmijn, M. (1998) Intermarriage and homogamy: Causes, patterns, trends. *Annual review of sociology*, 24(1), pp. 395-421.
- Kapinus, C. (2005) The effect of parental marital quality on young adults' attitudes toward divorce *Sociological Perspectives*, 48, (3), pp. 319-335
- Kiecolt-Glaser, J. K. (2018) Marriage, divorce, and the immune system. *American Psychologist*, 73(9), 1098.
- Lee, R. (1990) The demographic response to economic crisis in historical and contemporary populations. *Population bulletin of the United Nations*, (29), pp. 1-15.
- Lesthaeghe, R., & van de Kaa, D. J. (1986) Twee demografische transitities? In R. Lesthaeghe & J. Van de Kaa (Eds.), *Groei of Krimp*, book volume of Mens en Maatschappij (pp. 9–24). Deventer: Van Loghum-Slaterus.
- Mace, R. (2017) An adaptive model of human reproductive rate where wealth is inherited: Why people have small families. In *Adaptation and human behavior* (pp. 261-282). Routledge.
- Maharaj, P., & Shangase, T. (2020) Reasons for delaying marriage: Attitudes of young, educated women in South Africa. *Journal of Comparative Family Studies*, 51(1), pp. 3-17.
- Maher, J., & Saugeres, L. (2007) To be or not to be a mother? Women negotiating cultural representations of mothering. *Journal of sociology*, 43(1), pp. 5-21.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Murray-Swank, A., & Murray-Swank, N. (2003) Religion and the sanctification of family relationships. *Review of religious research*, pp. 220-236.
- Mohlabane, N., Gumede, N. and Mokomane, Z. (2019) Attitudes towards marriage in postapartheid South Africa. In: Z. Mokomane, J. Struwig, B. Roberts and S. Gordon. (eds). *South African Social Attitudes: family matters: family cohesion, values and strengthening to promote wellbeing*. Cape Town: HSRC Press
- Moloney, S. (2007) Dancing with the wind: A methodological approach to researching women's spirituality around menstruation and birth. *International Journal of Qualitative Methods*, 6(1), pp. 114-125.
- Nargund G. (2009) Declining birth rate in Developed Countries: A radical policy re-think is required. *Facts, views & vision in ObGyn*, 1(3), 191–193.
- Nduonofit, L. L. E., & Nwala-Cadger, G. (2015) Unemployment and late marriage: A study of post graduate students of University of Port Harcourt. *International Journal of Innovative Social Sciences & Humanities Research*, 3(1), 1-9.
- OECD. (2022) Fertility rates. Retrieved from https://www.oecd.org/els/family/SF_1_2_Fertility_rates.pdf
- Ogawa, N. (2003) Japan's changing fertility mechanisms and its policy

- responses. *Journal of population research*, 20(1), 89-106.
- Ogawa, N., & Retherford, R. D. (1993) The resumption of fertility decline in Japan: 1973-92. *Population and Development Review*, 703-741.
- Oppenheimer, V. K. (1988) A theory of marriage timing. *American journal of sociology*, 94(3), pp. 563-591.
- Ouellette, J.A., & Wood, W. (1998) Habit and intention in everyday life: The multiple processes by which past behavior predicts future behavior. *Psychological Bulletin*, 124(1),54.
- Parker, T. (2020) *The Baby Break: An Analysis of Sustained Fertility Decline After a Period of Economic Recession* (Master's thesis, University of New Hampshire).
- Schellekens, J., & Gliksberg, D. (2018) The decline in marriage in Israel, 1960–2007: period or cohort effect? *European Journal of Population*, 34, pp.119-142.
- Schneider, D. (2015) The great recession, fertility, and uncertainty: Evidence from the United States. *Journal of Marriage and Family*, 77(5), pp.1144–1156. doi:10.1111/jomf.12212.
- Schwartz, C.R. and Han, H. (2014) The reversal of the gender gap in education and trends in marital dissolution. *American Sociological Review*, 79(4), pp. 605–629. <https://doi.org/10.1177/0003122414539682>.
- The World Bank (2023) *Population and Vital Statistics*. Retrieved from <https://databankfiles.worldbank.org/public/ddpext/>
- Thomson, E., Hanson, T. L., & McLanahan, S. (1994) Family Structure and Child Well-Being: Economic Resources vs. Parental Behaviors. *Social Forces*, 73(1), pp. 221-242. doi:10.1093/sf/73.1.221
- United Nations (2022) *World population prospects 2022*. Retrieved from <https://population.un.org/wpp/>
- Van Bavel, J. (2001) Malthusian sinners: illegitimate fertility and economic crisis. A case study in Leuven, 1846-1856. *Journal of Belgian History*, 31(3-4), pp. 371-401.
- World Economic Forum. (2021) *Why are fertility rates declining in America?* Retrieved from <https://www.weforum.org/agenda/2021/10/decline-birth-rates-united-states/>
- Yi, Z., & Vaupel, J. W. (1989) The impact of urbanization and delayed childbearing on population growth and aging in China. *Population and Development Review*, pp. 425-445.